

آشنایی با مکاتب اقتصادی مکتب بانکداری، مکتب پول (در گردش) و مکتب بانکداری آزاد

انار شوارتز^۱

ترجمه سیدحسین میرجلیلی

(دکترای اقتصاد، استادیار پژوهشکده اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

۴. آیا انتشار بی رویه پول یک مسأله است و در این صورت، مسؤول انتشار بی رویه پول کیست؟

۵. پول چگونه باید تعریف شود؟

۶. چرا تورهای تجاری رخ می‌دهد؟

۷. آیا باید بانک مرکزی وجود داشته باشد؟

پاسخ مکتب بانکداری آزاد به آخرین پرسش، منفی و پاسخ دو مکتب دیگر مثبت بود، دیدگاه‌های این دو مکتب نیز در این زمینه بسیار متفاوت بود همان طور که درباره پرسش از قواعد در مقابل مقامات نشان داده شد آن چه میان مکاتب سه گانه مورد اختلاف نبود عملی بودن^۲ نظام استاندارد طلا با تبدیل پذیری طلای اسکناس‌های بانک (مرکزی) انگلستان بود.

در چه زمینه‌هایی مکاتب یاد شده با یکدیگر اختلاف نظر داشتند؟ هر یک از سه پرسش نخست، دگترین‌های کانونی را مشخص می‌کردند که طرفداران یکی از مکاتب در آن نقش داشتند:

درباره بقیه پرسش‌ها، دیدگاه شخصیت‌های اصلی هر مکتب با مکتب دیگر تفاوت داشت. پیش از مشخص کردن مواضع هر یک از مکاتب یاد شده در مباحث پولی، به معرفی زمینه نهادی و شخصیت‌های اصلی هر مکتب می‌پردازیم.

مورخان اندیشه اقتصادی به طور معمول مباحثات پولی بریتانیا از دهه ۱۸۲۰ به بعد را با تمرکز بر این پرسش ارائه می‌کنند که آیا سیاست اقتصادی باید تحت کنترل قواعد باشد (که مورد حمایت طرفداران مکتب پول در گردش است)، یا به مقامات پولی^۳ باید اجازه داده شود که طبق صلاحدید^۴ عمل کنند (که مورد حمایت طرفداران مکتب بانکداری است)؟ در واقع درباره بسیاری پرسش‌های دیگر طرفداران مکتب بانکداری آزاد با دو مکتب دیگر اختلاف نظر داشتند از جمله پرسش‌های افرادی که مورد غفلت قرار گرفته یا به دوستی شناخته نشده‌اند، مطرح شده است.^۵

از جمله موارد مورد اختلاف این پرسش‌ها بودند:

۱. آیا نظام بانکی باید از اصل مکتب پول (در گردش) پیروی کند که می‌گوید: انتشار اسکناس باید به نسبت یک به یک با دارایی طلای بانک انگلستان تغییر کند؟

۲. آیا دگترین‌های مکتب بانکداری، یعنی برات‌های واقعی^۶، نیزهای تجارت و قانون بازگشت^۷، معتبر هستند؟

۳. آیا انحصار انتشار اسکناس مطلوب است یا آن گونه که مکتب بانکداری آزاد معتقد است انحصار انتشار اسکناس موجب بی ثباتی است؟





زمینه نهادی

بانک (مرکزی) انگلستان در ۱۶۹۴ همزمان با مباحثات یاد شده به عنوان یک نهاد خصوصی با مزایای ویژه تاسیس شد و در راهس نظام بانکی بریتانیا قرار گرفت. تا ۱۸۲۶ منشور^۹ بانک به معنای ممنوعیت سایر بانک‌های سهامی عام^{۱۰} در انگلستان تفسیر شده بود. در نتیجه، تاسیس بانک یا به صورت بنگاه‌های یک نفره بود یا به صورت شرکت‌هایی که بیش از شش عضو نداشتند. دو نوع بانک در انگلستان برتری داشتند. بانک‌های خصوصی ثروتمند لندن که به طور داوطلبانه مزیت انتشار اسکناس‌شان را واگذار کردند و بانک‌های کشور^{۱۱} که تقریباً به طور انحصاری به کار انتشار اسکناس می‌پرداختند. شکست‌های متعدد بانک‌های کشور نشان داد که تاسیس منشور بانک (مرکزی) انگلستان، تسریع شکل‌گیری واحدهای بانکی با اندازه غیراقتصادی بوده است.

بانکداری در ایرلند از بانکداری انگلستان الگو گرفت. بانک (مرکزی) ایرلند در ۱۷۸۳ با مزیت انحصاری بانکداری سهامی عام تاسیس شد و در ۱۸۲۱ انحصار آن در مکان‌های دورتر از ۵۰ مایل از دبلین^{۱۱}، واگذار شد. در ۱۸۴۵ بانکداری سهامی عام در تمامی ایرلند اعتبار قانونی یافت.

بانک (مرکزی) اسکاتلند در ۱۶۹۵ با مزایای مشابه مزایای بانک (مرکزی) انگلستان تاسیس شد البته برای توسعه تجارت نه برای حمایت از اعتبار دولت. بانک (مرکزی) اسکاتلند در ۱۷۱۶ انحصار خود را از دست داد و هیچ قانون بانکداری انحصاری دیگری در اسکاتلند به تصویب نرسید. با امکان پذیر شدن ورود آزاد، بسیاری از بانک‌های خصوصی محلی و سهامی عام تاسیس شدند، اغلب بانک‌های سهامی عام سرمایه لازم را نامین کردند و نظام سراسری شعب بانکی گسترش یافت. برخلاف نظام بانکی انگلستان، انتشار بی‌رویه^{۱۲} اسکناس در نظام اسکاتلند مسأله نبود. بانک‌ها، اسکناس‌های یکدیگر را می‌پذیرفتند و نظام مبادله اسکناس را به وجود آوردند. سهامداران بانک‌های سهامی عام اسکاتلند (به جز سه بانک تاسیس شده) با مسئولیت نامحدود^{۱۳} تاسیس شدند. در زمان مباحثات یاد شده میان مکاتب سه‌گانه بانکداری در اسکاتلند در مرحله بسیار پیشرفته‌تری از بانکداری در انگلستان بود.

شخصیت‌های اصلی در مباحثات

سخنگویان اصلی مکتب پول (در گردش) در مباحثات: مک کلاچ^{۱۴} و لوید^{۱۵} (بعدها لرد اورستون^{۱۶})، لانگفیلد^{۱۷}، جورج وارد تورمن^{۱۸} و تورنر^{۱۹} بودند. تورمن برای بیشتر سال‌های ۷۲-۱۸۲۱ مدیر بانک (مرکزی) انگلستان بود، افزون بر آن وی طی سال‌های ۶-۱۸۲۰، مدیر شرکت بیمه سان^{۲۰} بود و در تجارت الوار با تروژ نیز فعال بود. نمایندگان اصلی مکتب بانکداری: توک^{۲۱}، قولارتون^{۲۲} و جان استوارت میل^{۲۳} بودند، در حالی که جیمز ویلسون^{۲۴} دیدگاه‌هایی داشت که دگرترین‌های مکتب بانکداری آزاد و مکتب بانکداری را توسعه می‌داد^{۲۵}. برجسته‌ترین اعضای مکتب بانکداری آزاد: پارنل^{۲۶} (سیس بارون کان گلنون)^{۲۷}، جیمز ویلیام گیلبرت^{۲۸} و بولت اسکروپ^{۲۹} بودند. گیلبرت که یک بانکدار بود، مدیر کل بانک لندن و وست مینیستر^{۳۰} نیز بود که نخستین بانک سهامی عام بود که بر اساس قانون منشور بانک^{۳۱} مصوب ۱۸۳۳ مجوز فعالیت گرفت.

پاسخ مکتب بانکداری آزاد
به آخرین پرسش، منفی
و پاسخ دو مکتب دیگر
مثبت بود، دیدگاه‌های
این دو مکتب نیز
در این زمینه
بسیار متفاوت بود
همان‌طور که درباره پرسش
از قواعد در مقابل مقامات
نشان داده شد آن‌چه
میان مکاتب سه‌گانه
مورد اختلاف نبود
عملی بودن ۱۲۹
نظام استاندارد طلا
با تبدیل پذیری طلای
اسکناس‌های
بانک (مرکزی)
انگلستان بود

اصل مکتب پول (در گردش)

هدف مکتب پول (در گردش) دستیابی به ثبات سطح قیمت بود، چه عرضه پول به طور کامل فلزی بود یا پول (در گردش) ترکیبی از اسکناس و پول فلزی بود. طبق نظر لوید، جریان های ورودی یا خروجی طلا در نظام پولی کاملاً فلزی دارای اثر فوری بر افزایش یا کاهش پول در گردش بود، در صورتی که پول ترکیبی می توانست به طور مناسبی عمل کند که جریان های ورودی یا خروجی طلا به طور دقیق با افزایش یا کاهش پول کاغذی برابری کند.^{۳۳} وی و سایر نظریه پردازان مکتب پول (در گردش) افزایش سطح قیمت و کاهش ذخیره شمش طلا در نظام پولی ترکیبی را به عنوان نشانه های نشتر بیش از حد اسکناس^{۳۴} می دانستند. آن ها برای حصول اطمینان از این که پول کاغذی نه بیش از حد باشد نه ناکافی، از کنترل قانونی^{۳۵} نشر اسکناس طرفداری می کردند، چون در غیر این صورت نوسان ها در پول (در گردش) گرایش های دوری در اقتصاد را بدتر می کرد. با این حال آن ها، نیازی به کنترل فعالیت های بانکداری غیر از انتشار اسکناس نمی دیدند.

مکتب بانکداری این مطالب را به چالش کشید، فولرتون^{۳۶} انکار می کرد که انتشار بی رویه اسکناس در غیاب تقاضا امکان پذیر باشد و منکر آن بود که تغییرات در انتشار اسکناس بتواند سبب تغییرات در سطح قیمت داخلی شود یا این که چنین تغییراتی بتواند سبب کاهش ذخیره شمش طلا شود. ([۱۸۲۴]، ۱۹۶۹، صص ۲۷ و ۱۲۸-۹). در نظام پولی کاملاً فلزی و همچنین با وجود بانک با پول ترکیبی (فلزی و کاغذی) سپرده ها ۱۵۸۰۰۰ برات^{۳۷} و تمامی شکل های اعتبار می تواند بر قیمت ها اثر گذارد. افزون بر آن جریان های ورودی و خروجی طلا در نظام پولی کاملاً فلزی می تواند ذخیره شمش طلا را تغییر دهد اما قیمت ها را تغییر نمی دهد. اگر تبدیل پذیری حفظ شود، انتشار بیش از اندازه اسکناس امکان پذیر نیست و هیچ گونه کنترل قانونی انتشار اسکناس لازم نیست. نراز پرداخت های نامطلوب پدیده ای موقتی است و خود تصحیح کننده خواهد بود هنگامی که به عنوان مثال برداشت خوب محصول به دنبال برداشت بد محصول بیاید، طبق نظر مکتب بانکداری آزاد، امکان پذیری انتشار بی رویه اسکناس و تورم تنها در مورد اسکناس های بانک (مرکزی) انگلستان به کار رفته است، اما نمی تواند در نظام بانکداری رقابتی تحقق یابد.

اصول مکتب بانکداری

مکتب بانکداری سه اصل را پذیرفت که راهی را برای پیروان مکتب بانکداری مشخص می کرد و بانک ها به آن عمل می کردند و آن مخالف اصل مکتب پول (در گردش) بود که به عنوان ساخته مصنوعی نویسندگان خاصی آن را پذیرفته بودند. (وایت، ۱۹۸۴، صص ۲۸-۱۱۹). نخستین اصل مکتب بانکداری، این دکتین بود که بدهی های ناشی از سپرده ها و اسکناس ها هیچ گاه بیش از اندازه نخواهد بود اگر بانک ها تارایی های عایدی شان را به برات های واقعی محدود سازند. اینها^{۳۸} که اقتصاددانان مدرن علیه این دکتین وارد کرده اند، این است که مقدار پول و سطح قیمت را نامعلوم باقی می گذارد، زیرا عرضه پول را به مقدار اسمی برات های ارائه شده برای تنزیل پیوند می زند. برخی از اعضای این مکتب می توانند از این اتهام تبرئه شوند، اگر آن ها انگلستان را به عنوان یک اقتصاد کوچک و باز در نظر بگیرند، به این ترتیب که موجودی پول داخلی در آن اقتصاد یک متغیر وابسته باشد که

هدف مکتب پول (در گردش) دستیابی به ثبات سطح قیمت بود، چه عرضه پول به طور کامل فلزی بود یا پول (در گردش) ترکیبی از اسکناس و پول فلزی بود. طبق نظر لوید، جریان های ورودی یا خروجی طلا در نظام پولی کاملاً فلزی دارای اثر فوری بر افزایش یا کاهش پول در گردش بود، در صورتی که پول ترکیبی می توانست به طور مناسبی عمل کند که جریان های ورودی یا خروجی طلا به طور دقیق با افزایش یا کاهش پول کاغذی برابری کند

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



به وسیله آثار خارجی تعیین می‌شود. با این حال از آن‌جا که نقش میزان تنزیل در تعیین حجم برات‌های ایجاد شده در تجارت را نادیده می‌گیرد، این دکترین، آسیب‌پذیر است. افزون بر آن، مکتب بانکداری؛ تقاضای جریان^{۳۸} و جوه قابل قرض^{۳۹}، که حجم برات‌ها نمایندند آن است. را با تقاضای موجودی^{۴۰} اسکناس‌های در گردش یا هم مخلوط کرده است. هر چند این دو مقدار، با یکدیگر متناسب نیستند.

اعضای مکتب بانکداری آزاد که دکترین برات‌های واقعی را نیز پذیرفته بودند، به اشتباه انتشار بیش از اندازه اسکناس در بانک انگلستان را به خرید دارایی‌های غیر از برات‌های واقعی نسبت می‌دادند، وقتی انتشار بیش از اندازه ممکن بود با پرتفوی که به برات‌های واقعی محدود شده بود، میزان بهره‌ای به دست می‌آمد که منجر به موجودی از واسطه در گردش (مبادله) شود که با سطح قیمت حاکم ناسازگار است. (گیلبارت، ۱۸۴۱، صص ۳۰۵-۱۰۳-۱۱۹).

مکتب پول (در گردش) دکترین برات‌های واقعی را گمراه‌کننده می‌دانسته چون می‌توانست افزایش تراکم انتشار اسکناس و در نتیجه رشد قیمت‌ها را تشدید کند.

دومین اصل مکتب بانکداری دکترین نیازهای تجارت^{۴۱} بود، به این معنا که میزان اسکناس در گردش را باید تقاضا تعیین کند. یعنی با رکود کسب و کار، تقاضای اسکناس کاهش می‌یابد و با رونق کسب و کار تقاضای اسکناس گسترش پیدا می‌کند. چه به دلایل فصلی باشد یا به دلیل وقوع دوره‌های تجاری. فرض ضمنی این دکترین آن بود که بانک‌ها می‌توانند با نسبت‌های ذخیره‌شان را برای وفق دادن با بدهی‌های اسکناس بالاتر یا پایین‌تر تغییر دهند. یا در غیر این صورت تغییرات در بدهی‌های اسکناس را با تغییرات مخالف در بدهی‌های سپرده‌ها، خنثی کنند. به دلایل غیرفصلی در تقاضای اسکناس، این دکترین به طور ضمنی اظهار می‌دارد که بانک‌های در حال گسترش می‌توانند ذخایر زیادی از مازاد بین منطقه‌ای^{۴۲} حاصل از موازنه تجاری را به دست آورند. مکتب پول (در گردش) افزایش نیازهای تجاری را در واقع تقاضای نگاه‌داری اسکناس می‌دانست و افزایش‌های همراه آن در محصول و قیمت‌ها را مضر^{۴۳} قلمداد می‌کرد، چون در نهایت موجب فرار خارجی^{۴۴} می‌شد. مکتب بانکداری آزاد جواب می‌داد که چنین مخالفتی را مکتب پول (در گردش) متناقض^{۴۵} می‌داند، زیرا مزیت پول فلزی آن است که با خواسته‌های تجاری کشور وفق داده شده است و بنابراین برای آن که پول ترکیبی^{۴۶} بتواند نیازهای تجارت را برآورده سازد، نمی‌تواند یک جانشین^{۴۷} باشد. مخالفت مدرن با نیازهای دکترین تجارت به عنوان موافق دور تجاری^{۴۸} انعکاسی از دیدگاه مکتب پول (در گردش) است.

سومین اصل مکتب بانکداری، قانون

بازگشت^{۴۹} است. طبق این قانون

انتشار بی‌رویه اسکناس تنها برای

دوره‌های محدود امکان‌پذیر

است، چون اسکناس‌ها بلافاصله

برای بازپرداخت وام به

ناشر



باز می‌گردد. این اصل، جرح و تعدیل دکترین برات‌های واقعی بود که توک^{۵۰} و فولرتون^{۵۱} آن را مطرح کرده بودند، زیرا پشتیبانی از این دکترین به ظاهر انتشار بی‌رویه اسکناس را غیرممکن می‌ساخت. آن‌ها هیچ تمایزی میان سرعت بازگشت برای بانک (مرکزی) انگلستان و بانک‌های رقابتی انتشار اسکناس، قائل نشدند. تمایزی که در قلب موضع بانکداری آزاد قرار داشت. از نظر مکتب بانکداری آزاد، اگر اسکناس‌ها در بانک‌های رقیب سپرده‌گذاری می‌شدند، بازگشت اسکناس‌های اضافی، سریع بود. این بانک‌ها سپس اسکناس‌ها را به بانک‌های ناشر آن باز می‌گرداندند و در نتیجه نقطه پایانی بر انتشار بی‌رویه اسکناس می‌گذاشتند. در مقابل، بانک (مرکزی) انگلستان می‌توانست برای دوره‌های طولانی بیش از اندازه اسکناس منتشر کند، چون هیچ رقیبی نداشت. با این حال فولرتون فرض توجیه‌ناپذیری را مطرح کرد مبنی بر این که اسکناس‌ها برای بازپرداخت وام‌های قبلی یا سرعت بیشتری نسبت به تنزیل وام‌های جدید، به بانک باز خواهند گشت و از این‌جا انتشار بی‌رویه اسکناس تصحیح می‌شد. افزون بر آن فولرتون معتقد بود که اگر بانک با انجام خریدهای بازار باز، به طور بی‌رویه اسکناس منتشر کند، کاهش میزان بهره جریان‌های خروجی سرمایه را به سرعت قهال خواهد کرد و آن نیز به نوبه خود شمش طلائی بانک را کاهش می‌دهد و برای فرار آن را تحت فشار قرار می‌دهد. توک برای قانون بازگشت دلیل می‌آورد، با این استدلال که انتشار اضافی اسکناس ادامه نخواهد یافت اگر ترجیحات نگه‌دارندگان اسکناس به جای سپرده‌ها را برآورده نسازد.

مکتب بانکداری هیچ برنامه قانونی برای اصلاح نظام پولی نداشت.

مدیریت خوب بانک از دیدگاه این مکتب نمی‌توانست قانونی شود.

اصل مکتب بانکداری آزاد

همان‌طور که از نام این مکتب به نظر می‌رسد، اصلی که مکتب بانکداری آزاد از آن طرفداری می‌کرد، تجارت آزاد در انتشار پول قابل تبدیل به مسکوک^{۵۲} بود. اعضای این مکتب از این نظام مانند نظام بانکداری اسکاتلند طرفداری می‌کردند که در آن بانک‌ها در تمامی خدمات بانکی، از جمله انتشار اسکناس با یکدیگر در رقابت بودند و بانک مرکزی انحصار انتشار اسکناس را در اختیار نداشت. آن‌ها دلیل می‌آوردند که در چنین نظامی، بانک‌ها بدون محدودیت اسکناس منتشر نمی‌کنند بلکه در واقع حجم پایداری پول را فراهم می‌کنند. اگر چه هزینه‌های چاپ و انتشار، حداقل بودند، اما برای آن‌ها اسکناس‌ها در گردش باقی بماند، نیازمند برقراری محدودیت بر انتشار آن‌ها بود. روش بیشترین حد سود برای بانک‌های رقابتی عبارت بود از: حفظ اعتماد عمومی نسبت به انتشار اسکناس با حفظ تبدیل‌پذیری به پول مسکوک حسب تقاضا بود که آن هم نیازمند محدود کردن حجم پول بود.

واکنش لوید^{۵۳} به استدلال به نفع تجارت آزاد در پول (در گردش) آن بود که برخلاف مبادلات معمول، آن چه در انتشار پول باید به دنبال آن باشیم، بیشترین حجم کوروازان‌ترین قیمت نیست بلکه حجم تنظیم شده‌ای از پول (در گردش) است. مکتب بانکداری آزاد انکار می‌کرد که بانکداری آزاد، پول (در گردش) را بی‌ارزش می‌کند و اظهار می‌کرد که تفکیک بانکداری از انتشار اسکناس که نظر مکتب بانکداری است، غیرعملی است. اسکروپ^{۵۴} (۱۸۳۵، صص ۳۲-۳۳) می‌پرسید که چرا مکتب پول (در گردش) مخالف انتشار نامنظم اسکناس است اما مخالف نامنظم بودن سپرده‌ها نیست. اسکروپ این فرض لوید را زیر سؤال می‌برد که وظیفه انتشار پول در بانک، تولید پول است، در حالی که وظیفه اصلی بانک در واقع عبارت است از جایگزینی اسکناس‌های بانکی با برات‌های^{۵۵} خصوصی کمتر شناخته شده که دارای‌های بانک بودند. اسکروپ و سایر طرفداران بانکداری آزاد (پارنل، ۱۸۲۷، ص ۱۲۳) تمایز میان اسکناس بانکی فوراً تبدیل‌پذیر به طلا و برات

پدیده‌ای است که انحصار بانک (مرکزی) انگلستان آن را تشویق می‌کرد اما نظام رقابتی تضعیف می‌شد.

از سوی دیگر مکتب پول (در گردش)، بانک (مرکزی) انگلستان و بانک (مرکزی) اسکاتلند و بانک‌های کشور را در نظر می‌گرفته زیرا آن‌ها نیز به همان اندازه برای انتشار بی‌رویه پول مستعد بودند و بانک یا بانک‌ها به‌طور جمعی که می‌توانست از طریق سازوکار تسویه اسکناس بین بانکی انجام دهند، کنترل انتشار بی‌رویه آن را نمی‌پذیرفتند. برای آن‌ها کنترل ناشر انحصاری که عرضه پول به‌طور پایداری را متعهد شده بود، با نظام بانکداری مکتب^{۶۱} قابل حصول نبود.

تئوری توانایی بانک (مرکزی) انگلستان در انتشار بی‌رویه پول با مکتب بانکداری آزاد، متکی به نبود رقیب برای گردش (پول) بانک لندن بود، بنابراین هیچ‌گونه تسویه اسکناس بین بانکی تحقق نیافت؛ دلیلش نبود رقابت سپرده‌های دیداری یا بهره^{۶۲} در لندن؛ و این واقعیت بود که بانک‌های خصوصی لندن اسکناس‌های بانکی را به‌عنوان ذخیره نگاه‌داری می‌کردند.

بنابراین تقاضای اسکناس‌های بانکی، با کسبش بود. مکتب بانکداری آزاد و مکتب پول (در گردش) موافق بودند که تا به‌خیر اساسی وجود دارد، قبل از آن که برداشت خارجی^{۶۳} انتشار بی‌رویه را کنترل کند^{۶۴}. بنابراین اقدام‌های بانک به‌طور اجتناب‌ناپذیری به اقتصاد خسارت وارد می‌کرد. اسکروپ (۱۸۳۰، صص ۵۷-۶۰)، که تمایل بانک به گسترش بی‌رویه انتشار اسکناس را به‌موضوع انحصاری بانک نسبت می‌داد، از لغو این وضع قانونی بانک طرفداری می‌کرد.

مکتب بانکداری پرسش از انتشار بی‌رویه پول را به‌عنوان پرسش نامناسب رد می‌کرد، چون بر این باور بود که دارندگان اسکناس می‌توانند با سپرده‌گذاری اسکناس‌ها، به آسانی اسکناس‌های ناخواسته را مبادله کنند.

آن‌چه آن‌ها در بررسی آن شکست خوردند، این امکان بود که مقادیر جمعی پولی^{۶۵} می‌تواند بسیار وسیع‌تر در عرضه اضافی تحقق یابد که نتیجه‌اش برداشت خارجی^{۶۶} است.

پول چگونه باید تعریف شود؟

اعضای مکتب پول (در گردش) طرفدار تعریف پول به‌عنوان مجموع پول فلزی، پول کاغذی دولت و اسکناس‌های بانکی بودند. (نورمن، ۱۸۳۳، صص ۲۳ و ۵۰؛ مک کلاچ، ۱۸۵۰، صص ۷-۱۲۶). مکتب بانکداری آزاد مانند مکتب پول (در گردش) بر اسکناس‌های بانکی به‌عنوان واسطه مبادله همگانی^{۶۷} متمرکز شده بود و سپرده‌های دیداری که خارج از لندن معمولاً منوط به انتقال با چک نبودند، نادیده گرفته شده بودند. تعریف مکتب بانکداری از پول برخی اوقات وسیع‌تر از تعریف سایر مکتب‌ها و نامودمی شود.



آما در واقع

تجاری که ارزش آن طی زمان تا سررسید و میزان تزیل تغییر می‌کند، نادیده گرفتند. در مقابل نظر لوید، آن‌ها دلیل می‌آوردند که تجارت آزاد و رقابت، قابل کاربرد در خلق پول (در گردش) است. زیرا فعالیت بانک‌ها، تولید کالای کمیاب خوش نام است.

دومین مخالفت لوید با استدلال تجارت آزاد در بانکداری آن بود که تبعات ناشی از محاسبات نادرست ناشران پول، را خودشان تحمل نمی‌کنند بلکه منجر به پذیرفتن اسکناس‌هایی می‌شود که در معاملات متداول و تجارت به‌طور کلی در نتیجه نشر بی‌رویه، دریافت می‌گردند. پاسخ مکتب بانکداری آزاد به استدلال برون‌زایی‌ها^{۶۸} آن بود که دارندگان اسکناس می‌توانند از پذیرفتن اسکناس ناشران بدنام خودداری کنند. همچنین زبان بانک‌ها می‌تواند مورد حمایت قرار گیرد اگر بانک‌های سهامی عام^{۶۹} مجاز شوند در جایگاه بانک‌های کشور فعالیت کنند، در حالی که هم‌اکنون این بانک‌ها به شش شریک یا کمتر، محدود شده‌اند. افزون بر آن اگر بانک‌ها لازم باشد برای امنیت اوراق قرضه دولتی یا سایر دارایی‌ها سپرده‌گذاری می‌کنند، در آن صورت دارندگان اسکناس بیشتر مورد حمایت خواهند بود. (اسکروپ، ۱۸۳۳، صص ۲۵۵، ۱۸۳۳، صص ۲۲۴؛ پارنل، ۱۸۲۷، صص ۲۴-۱۴). اعضای مکتب بانکداری که در این راستا استدلال می‌کردند، نتوانستند تشخیص دهند که از این راه به نقش مداخله دولت در موضوعات مربوط به پول در گردش اذعان می‌کنند.

در دهه ۱۸۲۰ مکتب بانکداری آزاد مدافع بانکداری سهامی عام هم در فعالیت بانک‌های کشور و هم در رقابت مستقیم با اسکناس منتشر شده بانک (مرکزی) انگلستان در لندن بود. هر چند قاعده شش شریک برای بانک‌های ناشر اسکناس باید دست کم ۶۵ مایل از لندن فاصله داشتند، ولی در ۱۸۲۶ بعد از موج شکست‌های بانکی ملغی شد و بانک انحصار خود در گردش اسکناس را در منطقه لندن حفظ کرد. افزون بر آن به بانک اجازه داده شد تا شعبی در سراسر انگلستان تأسیس کند. بررسی پارلمانی در ۱۸۳۲ درباره تمهید منشور بانک به پرسش از طولانی‌تر کردن انحصار، جهت‌گیری شد. قانون ۱۸۳۳ ورود بانک‌های سهامی عام را در محدوده ۶۵ مایلی آسان کرد، اما حق انتشار و تولید اسکناس‌های بانکی که ابراهه قانونی^{۷۰} برای پرداخت اسکناس بانکی کشور باشد، از آن‌ها مضایقه شد. در عمل تضمین انحصار بانک سبب محکومیت بانکداری آزاد شد و سرانجام قانون منشور بانک در ۱۸۴۴ اعلام شد که طی آن بانک‌های سهامی عام و بانک‌های خصوصی موجود در انگلستان و ویلز انتشار اسکناس در گردش متوسطشان را طی یک دوره در ۱۸۳۳ محدود کردند. بانک انتشار اسکناس را بر عهده گرفته، در حالی که بیشتر به موجب قانون ممنوع شده بود.

آیا انتشار بی‌رویه پول (در گردش) یک مسأله بود؟

شرکت‌کنندگان در مباحثات درک کردند که انتشار بی‌رویه پول به معنای موجودی اسکناس‌ها است، چه آن را یک ناشر عرضه کند چه همه بانک‌ها منتشر کنند، مازاد بر مقراری که نگاه‌دارندگان پول به‌طور داوطلبانه انتخاب کردند تا با معین بودن سطح قیمت‌هایی که استاندارد طلای جهان تعیین می‌کنند آن را به‌عنوان دارایی نگاه‌دارند. آیا انتشار بی‌رویه پول قابل تبدیل، امکان‌پذیر است؟ طبق نظر مکتب بانکداری آزاد، تسویه اسکناس بین بانکی بانک‌های رقابتی برای حذف پول‌های مازاد منتشر شده را یک بانک واحد، انجام می‌دهد. مهار نشر پول مازاد توسط سیستم بانکی به‌عنوان یک کل، کاهش پول اضافی^{۷۱} از طریق مکانیزم جریان قیمت، مسکوک^{۷۲} بود. از این جهت این مکتب اذعان کرد که نظام بانکداری رقابتی با انتشار بی‌رویه پول به‌عنوان یک کل، همان دستاوردی را به ارمغان می‌آورد که با وجود ناشر انحصاری به دست آمد با این حال آن‌ها معتقد بودند که انتشار بی‌رویه پول

محدودتر است، زیرا پول به پول فلزی و پول کاغذی دولت محدود شده است. اسکناس‌های بانکی و سپرده‌ها به حساب نیامده‌اند چون آن‌ها به‌عنوان وسایل افزایش سرعت نقدینه صندوق بانک به حساب می‌آیند، نه به‌عنوان افزایش دهنده حجم پول. (توک [۱۸۴۸]، ۱۹۲۸، صص ۸۳-۱۷۱؛ فولرتون [۱۸۴۴]، ۱۹۶۹، صص ۳۶-۲۹؛ میل [۱۸۴۸]، ۱۹۰۹، ص ۵۲۳). در کوتاه‌مدت، این مکتب معتقد بود که تمامی شکل‌های اعتبار می‌تواند بر قیمت‌ها اثر گذارد، اما تنها پول آن گونه که تعریف شده است، می‌تواند در دراز مدت چنین کند، زیرا سطح قیمت داخلی می‌تواند تنها به‌طور موقتی از سطح جهانی قیمت‌هایی که استاندارد طلا تعیین کرده دور شود.

چرا دوره‌های تجاری تحقق می‌یابند؟

مواضع سه مکتب یاد شده دربارهٔ تکان‌هایی که دوره‌های تجاری را آغاز می‌کند برای اعضای این مکتب‌ها متعصبانه نبود. به‌طور کلی مکتب‌های بانکداری و پول (در گردش) بر این باور بودند که علل غیرپولی، دوره‌های تجاری را ایجاد می‌کنند، در صورتی که مکتب بانکداری آزاد علل پولی را ذکر می‌کرد؛ اما اعضای انفرادی بدون استثنا این خطوط تحلیلی را نمی‌پذیرفتند (New). مک کلاچ (۱۹۲۷، ص ۶۳)، لوید (۱۸۵۷، ص ۳۱۷) و لانگفیلد (۱۸۴۰، صص ۲۲۳-۲۲۳) اساساً دوره‌ها را به موج‌های خوش‌بینی و بدبینی متناسب می‌کردند که در آن بانک‌ها با انبساط و انقباض انتشار اسکناس، واکنش نشان می‌دهند. در نتیجه بانک‌ها هیچ‌گاه توالی انبساط و انقباض را آغاز نمی‌کنند. بنابراین اصل تنظیم پول (در گردش) برای تثبیت قیمت‌ها و کسب و کار در مکتب پول (در گردش)، دلالت بر حذف دوره‌ها از این راه نمی‌کرد با این حال دوره‌ها دیگر به هیچ وجه با انقباض و گسترش پولی، تقویت نمی‌شدند، اگر بانک‌های کشور از حق انتشار پول محروم می‌شدند و گردش پول بانک (مرکزی) انگلستان در کنترل اصل پول (در گردش) در می‌آمد، تورنز (۱۸۴۰، صص ۳۱-۳۲)، برخلاف سایر اعضای مکتب پول (در گردش) دوره‌های تجاری را به اقدام‌های بانک (مرکزی) انگلستان متناسب می‌کرد. این موضع مکتب بانکداری آزاد نیز بود، هر چند در یک کار اولیه، پارنل (۱۸۲۷، صص ۵۱-۴۸) از آن مکتب معتقد بود که دوره‌ها به‌وسیله عوامل غیرپولی ایجاد می‌شوند. با این حال از نظر مکتب بانکداری، عوامل غیرپولی هم منشا و هم سبب گسترش دوره‌های تجاری به حساب می‌آیند. به‌عنوان مثال توک (۱۸۴۰، صص ۲۴۵ و ۲۷۷)، معتقد بود که خوش‌بینی زیاد، گسترش اعتبار تجاری را موجب خواهد شد. در حالی که بانک‌ها به هیچ وجه مسؤول آن نبودند. در این صورت ضعف خوش‌بینی منجر به کاهش اعتبار تجاری خواهد شد. از نظر فولرتون [۱۸۴۴]، ۱۹۶۹، ص ۱۰۱ علل غیرپولی، موجب نوسان قیمت و تغییرات در گردش اسکناس، واکنش انفعالی است. طرفداران نظریه غیرپولی، در شروع دوره‌های تجاری هیچ تبیینی از موج‌های خوش‌بینی و بدبینی خودشان ارائه نکردند، از نظر مکتب بانکداری آزاد، این موج‌ها با گسترش و کاهش نهایی بدهی‌های بانک (مرکزی) انگلستان تسریع می‌شد. در ابتدا اقدام‌های بانک، میزان بهره را کاهش داد و در نهایت آن‌ها را به بالا رانده، همچنان که عرضه وجوه قابل قرض افزایش می‌یافت و سپس کاهش پیدا می‌کرد. موضع انحصاری بانک آن را قادر ساخت تا این گونه اختلافات پولی ایجاد کند، در حالی که بانک‌های رقابتی کشور چنین قدرتی نداشتند.

آیا باید بانک مرکزی وجود داشته باشد؟

مکتب‌های بانکداری و پول (در گردش) موافق بودند که یک بانک مرکزی با حق انحصاری نشر پول، برای سلامت اقتصاد لازم است. مک کلاچ (۱۸۳۱، ص ۴۹) وجود نظام تهادهای رقابتی انتشار اسکناس را به‌عنوان عامل بی‌ثباتی ثانی می‌دانست. توک (۱۸۴۰، صص ۲۰۷-۲۰۲) از ناشر انحصاری

پول طرفداری می‌کرد زیرا معتقد بود که به دلیل تگه‌داری ذخایر کافی، ریسک نشر بی‌رویه را کاهش می‌دهد و ایمنی بیشتر ایجاد می‌کند. این دو مکتب در نیاز به یک قاعده برای تنظیم نشر اسکناس با یکدیگر تفاوت داشتند، مکتب پول (در گردش) به یک مرجع صلاحیت‌دار قاعده‌ساز^۴ و مکتب بانکداری به یک مرجع صلاحیت‌دار غیرملازم^۵، متمهذ بودند. مکتب بانکداری آزاد مخالف پیروی از قاعده و همچنین قدرت بانک مرکزی بود، در عوض طرفدار نظام رقابتی انتشار اسکناس بود که خود تنظیم‌کننده آن است. برای آن مکتب اثبات این که قدرت متمرکز نسبت به نظام رقابتی پست‌تر است با نوسان‌های نوری که به وسیله خطاهای بانک (مرکزی) انگلستان ایجاد شده است، آشکار بود.

تداوم مباحثه

قانون مشهور بانک مصوب ۱۸۴۴ به حق نشر اسکناس برای بانک‌های جدید در انگلستان و ویلز پایان داد. با این حال با بانک‌های اسکاتلندی متفاوت بانک‌های ایرلندی و با قانون ۱۸۴۴ رفتار شد. مانند بانک‌های ایرلند، گردش مجاز برای بانک‌های اسکاتلندی بر اساس متوسط یک دوره پایه تعیین شدند، اما می‌توانستند از گردش مجاز فراتر روند مشروط بر آن که ۱۰۰ درصد ذخایر مسکوک در مقابل مبالغ اضافی نگاه‌دارند.

این شرط برای بانک انگلستان نیز وضع شد. بنابراین مکتب بانکداری آزاد طرفداری از هدف انتشار انحصاری اسکناس به وسیله بانک (مرکزی) انگلستان دست برداشت. در ۱۸۴۲ مرگ پارنل^۶ (رئیس برجسته پارلمان) به این واقعه آسیب رساند. سایر اعضای این مکتب بیشتر بانکداران کشور و بانک‌های سهامی عام بودند. این قوانین با محدود ساختن ورود به رشته فعالیت انتشار اسکناس و با متوقف شدن سهام بازار، منافعی به آن‌ها اعطا می‌کرد. (وایت، ۱۹۸۴، صص ۷۹-۷۸). اما صدای آن‌ها در مخالفت بلند نشد. تنها ویلسون منتقد مزایایی بود که به بانک انگلستان اعطا شده بود. (۱۸۴۷ [۱۸۴۹]، صص ۶۶-۳۴).

مکتب بانکداری نه تنها با این قانون مخالفت کرد بلکه مدعی حقانیت دیدگاهش بود و به تعویق انداختن آن در سال‌های ۱۸۲۷، ۱۸۵۷ و ۱۸۶۶ را ضروری می‌دانست. مکتب پول (در گردش) پاسخ داد که تعلیق‌ها اهمیت زیادی ندارند. (لوید، ۱۸۴۸، صص ۹۴-۳۹۲). توصیه‌های مکتب پول (در گردش) حاکم شد تا حد اکثری برای انتشار اسکناس بانکی کشور و انتقال متعاقب (نهایی) گردش آن‌ها به بانک (مرکزی) انگلستان تنظیم کند.

مباحث پولی که در دهه ۱۸۲۰ آغاز شدند، مباحث نهایی نبودند. هیچ دیدگاهی زمانش سپری نمی‌شود. بعد از گذشت مدت طولانی بعد از آن که شخصیت‌های اصلی مکاتب از صحنه خارج شدند، دکترین‌های مکتب‌های یاد شده حامیانی یافتند. حتی موضع مکتب بانکداری آزاد در مخالفت با انتشار انحصاری پول اشخاص^۷ که به نظر می‌رسید مدفون شده باشد، به نازگی طرفداران جدید آن را احیا کردند (وایت، ۱۹۸۴، صص ۵۰-۱۳۷). مباحثه مربوط به تمامی پرسش‌های مورد اختلاف در قرن نوزدهم همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد.

ماخذ:

- * Anna J. Schwartz, "Banking school, currency school, free Banking school," PALGRAVE, Vol. 1, pp. 182-185.